



## بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان

حسن احمدی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، شبنم قاسمی

<sup>۱</sup> استادیار، گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران ahmadi.hasan9@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مدیریت دولتی

### چکیده

این پژوهش با هدف تعیین تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اردبیل انجام شد. روش پژوهش از نوع شبه آزمایشی با پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه است. در این پژوهش از ۱۲۲۱ دانش آموز پسر دوره ابتدایی، دو کلاس به روش خوشه ای تصادفی انتخاب و آزمودنی های به روش تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. هر دو گروه پرسشنامه مسئولیت اجتماعی جوانان ماتسون (۱۹۸۳) و اضطراب لارنس گود (۲۰۱۵) را تکمیل کردند و سپس برنامه فلسفه به کودکان از منظر اسلام گروه آزمایش به مدت ۱۴ جلسه طی ۶ هفته آموزش داده شد. این برنامه به گروه گواه آموزشی ارائه نشد. در پایان دوره مجدداً هر دو گروه پرسشنامه مذکور را تکمیل کردند. نتایج با روش تحلیل کوواریانس تحلیل شد. یافته ها نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام موجب کاهش میزان اضطراب دانش آموزان، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری می شود و از طرفی دیگر موجب افزایش مهارتهای اجتماعی مناسب، برتری طلبی و رابطه با همسالان می شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش فلسفه از منظر اسلام، مسئولیت پذیری، اضطراب، دانش آموزان



## مقدمه

در نگاه اسلامی، پهنه حیات دنیوی، سراسر عرصه ای برای نیل آدمی به هدف غایی به نام حیات طیبه است و لحظه لحظه عمر انسان، به عنوان سرمایه ای برای دستیابی به آن محسوب می شود. از این رو در این دیدگاه دوره کودکی آدمی - در مقام بخشی از عمر و زندگی انسان - نمی تواند در حاشیه قرار گیرد. یا نسبت به آن بی توجهی شود. در عین حال، باید نسبت این دوران با دوران بزرگسالی رو تبیین کرد. در حقیقت، قضاوت در مورد نقش و اهمیت دوران کودکی در رسیدن به حیات طیبه، مترتب بر مبنای انسان شناختب مختار ماست. برای نمونه اگر انسان به شکل شیئی در نظر گرفته شود که بیشترین انعطاف و شکل پذیری را در کودکی دارد و نیازمند آن است تا در اسرع وقت، توسط استادی زبردست به بهترین شکل ساخته شود، دوره کودکی دوران طلایی تربیت تلقی می شود (۱). در منابع اسلامی آیات و روایات فراوانی وجود دارد که علم و آگاهی را می ستاید و مردم را به سوی آن می خواند و تشویق می کند و از جمود و تقلید کوکورانه و بدون تفکر بر حذر داشته و به شدت نکوهش می کند (۲). از سوی دیگر امروزه با توسعه علم و تکنولوژی جامعه جهانی به سرعت در حال تغییر است (۳). جهانی شدن موجب ایجاد بسیاری از چالش ها برای افراد و جامعه شده است. افزایش ارتباطات بین فردی، تغییرات سریع فناوری و حجم عظیمی از اطلاعات عواملی هستند که به ایجاد تغییرات واقعا چشمگیر کمک می کند (۴). از اینرو عرصه تعلیم و تربیت نیز از این تغییرات به دور نمانده است. امروزه انتظار از تعلیم و تربیت، با توجه به هزینه های هنگفتی که برای آن می شود، پرورش نسلی است که هم پای تحولات روبه رشد جامعه بتواند نقشی مفید و سازنده ایفا کند و این خود در گرو آن است که نسل تربیت شده از دانش، نگرش، و مهارت های لازم برخوردار شده باشد. هیچ گزینه ای هم جز به کارگیری آموزش و پرورش مناسب وجود ندارد. از این روست که تمایلی روزافزون به استفاده آموزشی از امور غیر آموزشی مشاهده می شود. به عبارت دیگر، رویکرد استفاده آموزشی از اشیا یا اموری که در بدو امر چندان ماهیت آموزشی ندارند یا اندراج ماهیت آموزشی به امور و ساخت هایی که کم تر ماهیت آموزشی داشته اند از رویکردهای جدید به حساب می آید. روی آوردن به نظریه های جدیدتر فلسفی و آموزشی که گمان می رود به کارگیری آن ها به پرورش نسل فعال تر و سازنده تر کمک می کند هم در همین راستا قابل ارزیابی است (۵). امروزه، نقش مدارس گسترش یافته است و از نقش سنتی آموزش مهارت های تحصیلی و علوم و فنون فراتر رفته و مسئولیت هایی مانند پرورش توانمندی های روانی و اجتماعی نیز برعهده مدارس گذاشته شده است. نحوه برقراری ارتباط با انسان های دیگر، تمرین رفتارهای سالم، رفتارهای مسئولانه نسبت به خود، مدرسه، جامعه نیز از موضوعاتی است که در مدارس آموزش داده می شود (۶). از طرف دیگر در جامعه امروزی مسئولیت پذیری یعنی پاسخگو بودن در برابر نیازهای خود و دیگران و انجام وظایف فردی و اجتماعی به بهترین شکل. مسئولیت پذیری ابعاد مختلفی دارد که شامل مسئولیت پذیری فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می باشد. آموزش مسئولیت پذیری، نفیسترین هدیه ای است که می توانیم به فرزندانمان ارزانی کنیم. چنین آموزشی آنان را قادر می سازد که از خویشتن مراقبت کنند و در آینده به عنوان بزرگسالی مسؤول، وظایف خویش را به عهده بگیرند (۷). همچنین اضطراب از جمله حالات روانی هستند که در عصر پرشتاب کنونی بدون آن که خود متوجه باشیم بر غالب اعمال و رفتار سایه افکنده اند. در شرایط کنونی که عصر ارتباطات اعم از شخصی و جمعی است، موفقیت های افراد بستگی به داشتن روابطی صحیح و منطقی و مناسب با اطرافیان، چه در خانواده و چه در اجتماع دارد. اضطراب به منزله احساس رنج آوری است که یا به یک موقعیت ضربه آمیز کنونی و یا با انتظار خطری که منشاء آن مشخص نیست وابسته است. حالت اضطراب توسط اسپیلرگر به عنوان یک حالت هیجانی گذرا تعریف شده است و رگه اضطراب اشاره دارد بر تفاوت های فردی نسبتا با ثبات در آمادگی به اضطراب، بدین معنا که بین مردم، تمایل به پاسخ به موقعیت های تهدید کننده متفاوت است (۸). در اواخر دهه ۱۹۶۰ متیو لیپمن با ارائه برنامه « آموزش فلسفه به کودکان پارادایم جدیدی رو در عرصه تعلیم و تربیت مطرح می نماید و به صورت رسمی، آموزش مهارت های تفکر فلسفی در مورد کودکان، حتی پیش از ورود به دبستان را ممکن تلقی می کند. لیپمن (۲۰۰۳) معتقد است که فلسفه برای کودکان یک اقدام آموزشی است که به بهبود تفکر در کودکان می پردازد و فلسفه را به عنوان شیوه ای برای پرورش تفکر اخلاقی، انتقادی و خلاق مورد استفاده قرار می دهد. لیپمن و همکاران (۱۹۸۰) معتقدند که منظور از آموزش فلسفه به کودکان، آموختن روش تفکر فلسفی است از طریق گفت گوهای فلسفی که اغلب به روش سقراطی است. بنابراین، در نظر گرفتن فلسفه در معنایی که حامیان آموزش فلسفه به کودکان، آن را دنبال می کنند، نمونه ای از رویکرد تحقیقی به تربیت است (۹). فلسفه برای کودکان، شاید تازه ترین و بزرگترین گامی است که در راستای تلاش برای کاربردی کردن فلسفه و آموزش عملی تفکر انتقادی و با هدف تقویت و بالا بردن مهارت های



استدلال، داوری و قدرت تمیز برداشته شده است. این برنامه، نمونه روشنی از کاربرد فلسفه در تربیت است اما با دیگر برنامه های فلسفه کاربردی تفاوت اندکی دارد و آن اینکه این برنامه می خواهد به شاگردان کمک کند تا خودشان کار فکری انجام دهند و مسائل را خودشان حل کنند. هدف کلی برنامه فلسفه برای کودکان، ایجاد «مباحثه فلسفی» به وسیله آفرینش «اجتماع پژوهشی» در سطح کلاس است. عمده نظریه پردازان و صاحب نظران مهارتهای تفکر، به طور فعالانه ای یادگیرندگان را به کار کردن به صورت مشارکتی تشویق می کنند. برنامه فلسفه برای کودکان که به اختصار آن را (p4c) می نامیم، برنامه ای است که با تاکید بر گفتگو با همسالان و مباحثه هوشیارانه، باعث پیامدهای مثبت برای نوجوانان می شود (p4c). کودکان را به هوشیارتر بودن نسبت به تفکر و یادگیری خود یعنی آگاه بودن از آن چه می اندیشند و یاد می گیرند و به بیان دیگر فراشناخت تشویق می کند. به علاوه این فرایند نیازمند مهارتهای اجتماعی و ارتباطی و رشد همدلی هیجانی و حساسیت نسبت به دیگران است. در نتیجه درگیر شدن در p4c همان گونه که اثرات شناختی، افزایش عزت نفس و خودکارآمدی، افزایش هوش اجتماعی و هوش هیجانی و شاید دیگر مهارتهای قابل انتقال را به دنبال دارد، ممکن است اثرات اجتماعی-عاطفی زیادی در بر داشته باشد؛ هم چنین در کاهش اضطراب و افزایش رفتارهای مثبت در کلاس و افزایش خود پنداره و پرورش سازگاری هیجانی و کاهش تفکر غیر منطقی موثر است (۱۰).

#### بیان مسئله

بسیاری از مدارس به صورت سنتی به جای اینکه بر روی مهارتهای فکری و استدلالی تکیه کنند بر روی استفاده از اطلاعات تمرکز دارند. آنها ذهن را به مثابه ظرفی خالی تلقی می کنند که باید از دانش مورد نظر آنها انباشته شود. در واقع این مدارس با تاکید بر حافظه به عنوان منبع کسب دانش جایگاه مهم مهارتهای فکری را نادیده می انگارند. و این در حالی است که مهم ترین هدف آموزش و پرورش نوین ایجاد تغییرات شناختی، عاطفی و رفتاری نسبتا پایدار در زندگی شاگردان است تا آنها بتوانند از نهایت استعداد و توانایی خود در زندگی بهره گیرند. با توجه به این مهم در سال های اخیر، متخصصان علوم تربیتی در مورد نارسایی توانایی شاگردان در امر تفکر ابراز نگرانی کرده، و تلاش خود را معطوف به ارتقای مهارتهای فکری شاگردان نموده اند. پرورش مهارتهای فکری دانش آموزان همیشه مسئله ای پیچیده در آموزش بوده، اما امروز با توجه به شرایط زندگی کنونی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار گشته است. همه کودکان در طی زندگی خود با مسائل خاصی روبرو می شوند، ولی فقط تعداد خاصی از آنها این مسائل را با موفقیت حل می کنند. اکنون باید دید که چه باید کرد؟ هم اکنون یک نهضت جهانی بوجود آمده است که هدف آن ارتقای مهارتهای فکری و پرورش ذهن فلسفی کودکان است که به حق پیشگام این نهضت پروفیسور «ماتیمو لیمن» از دانشگاه مونت کلیبر در ایالت مونت کلیبر نیویورک است. ناتوانی نظام آموزش سنتی در تربیت انسان های مبدع و مخترع که قابلیت مواجهه با مسائل و مشکلات دنیای مدرن را داشته باشند، باعث شد تا علاقه به برنامه های درسی که بتواند دانش آموزانی متفکر، نقاد و خلاق پرورش دهد، افزایش یابد به شکلی که در رویکردهای تربیتی جدید این گونه برنامه ها جایگاه والایی پیدا نموده اند (۱۰). بی مسؤلیتی دانش آموزان، موجب ناتوانی در برقراری روابط سالم و محبت آمیز با دیگران، ناتوانی در تصمیم گیری، شگستهای پیاپی تحصیلی، ترک تحصیل و مهم تر از همه روی آوردن به مصرف مواد مخدر، نوشیدنی های الکلی، پرخاشگری و بزهکاری خواهد شد (۱۱). از طرف دیگر اضطراب به منزله بخشی از زندگی هر انسان، در همه افراد در حد اعتدال آمیز وجود دارد و در این حد به عنوان یک پاسخ سازش یافته تلقی می شود. به طور کلی اضطراب بیانگر حالت هیجانی نامطلوبی است که محصول فشار و کشمکش های روانی افراد می باشد و مشخصه بارز آن ترس و بیم از وقوع حوادث آینده است. امروزه پذیرفته شده که اختلال اضطرابی شایعترین اختلالات هستند بطوری که بین ۲۰-۱۵ درصد از جمعیت جوانان را تشکیل می دهند. در جریان رشد، کودکان و نوجوانان طیف وسیعی از اضطراب ها را تجربه می کنند. گاه این اضطراب ها از چنان شدتی برخوردارند که زندگی روزمره و تحصیلی آنان را دشوار می سازند. عواطف و رفتار و احساسات آنان انعطاف پذیرتر است و هر گونه اقدام پیشگیرانه و درمانی، باعث رشد یک شخصیت سالم و متعادل در سال های آتی می شود (۱۲). بنابراین با توجه به این موارد مسئله ما در این پژوهش این است که آیا بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسؤلیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اردبیل تاثیر دارد؟

درباره ضرورت انجام تحقیق می توان از چند جنبه به آن نگریست.



1. اولاً و به لحاظ نظری، انجام این تحقیق باعث توسعه کمی و ادبیات موجود راجع به رابطه بین این متغیرها می شود که بیشتر به عنوان یک خلاء در ادبیات سازمان آموزشی مطرح است .

2. ثانیاً و به لحاظ عملی، انجام تحقیق مذکور باعث می شود که دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت در شهر اردبیل بینش و فهم دقیق تر و واقع بینانه تری راجع به تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان دوره اول متوسطه شهر اردبیل داشته باشند.

3. ثالثاً پرورش دانش آموختگان واجد توانمندی های شناختی، مسئولیت پذیری اجتماعی و گرایش های عاطفی برای پژوهش و نوآوری، آرمان همه نظام های آموزشی دنیاست. در کشور ما نیز ایجاد تحول و جنبش در این زمینه یک ضرورت و عزم ملی تلقی می شود.

به هر حال آن چه مسلم است این است که باید نسل مسئولیت پذیر را در طول سال های آموزش عمومی و عالی پرورش داد. حال با توجه به این که پایه های مسئولیت پذیری در همان اوایل دوران تحصیل بنیان گذاری می شود، لذا ضروری است که این آموزش های از همان دوران پیش دبستانی و ابتدایی صورت پذیرد. لذا به همین منظور، پژوهش حاضر به بررسی آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اردبیل می پردازد.

با توجه به ملاحظات نظری بالا، تحقیقاتی در ارتباط با مطالب گزارش شده وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می گردد:

فرمینی فراهانی (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان چالش های تدریس فلسفه به کودکان به این نتیجه دست یافت که چالش های موجود آموزش فلسفه عدم مربیان ماهر و آموزش دیده، تفکیک بین ارزش های اجتماعی موجود و هنجارها، نقش مبهم معلم در این نوع آموزش، عدم آگاهی والدین از آموزش فلسفه برای کودکان، عدم رشد شناختی کودک به درک مفاهیم انتزاعی از برنامه آموزش فلسفه می باشد.

جعفری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی به این نتیجه دست یافتند که آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد شناختی (کنجکاوی، پرسشگری، استدلال کردن، تفکر انتقادی، خلاقیت، علاقه به آزمایش و تجربه) و بعد عاطفی (علاقه به نظم و ترتیب، اشتیاق، مشارکت جویی، استقلال رای، اعتماد به نفس، ابراز وجود) روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تاثیر دارد و به طور کلی اجرای این برنامه بر پرورش روحیه پژوهشگری این کودکان تاثیر گذار بوده است.

سیفی گندمانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به دانش آموزان پسر بر عزت نفس و توانایی حل مسئله آنها به این نتیجه دست یافتند که برنامه مذکور به طور معناداری عزت نفس گروه آزمایش را افزایش داده و از سوی دیگر به افزایش معنادار استفاده از سبک حل مسئله دار و کاهش معنادار در سبک هیجان مدار منجر شده است. این برنامه می تواند در بهبود مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان موثر واقع شود هدف از برنامه آموزش فلسفه به کودکان این است که کودکان تبدیل همانگونه سازندگان آن معتقدند هدف این برنامه این است کودکان، انسان هایی متفکرتر، انعطاف پذیر تر، با ملاحظه تر و منطقی تر شوند.

مرعشی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان بررسی تاثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز به این نتیجه دست یافتند که اجرای آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع پژوهشی، الف) بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز تاثیر مثبتی داشته است؛ ب) بر رشد قضاوت اخلاقی هردو جنس پسر و پسر تأثیری یکسان داشته و تفاوت معنی داری بین آنها مشاهده نشد .

با توجه به آنچه گفته شد، هدف پژوهش این است که تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان دوره اول ابتدایی شهر اردبیل را در سال ۹۵-۹۶ تعیین کند و این فرضیه اصلی اساسی را بیازماید: برنامه آموزش فلسفه به دانش آموزان می تواند موجب مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب در دانش آموزان شود.



## هدف و فرضیه های پژوهش

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان دوره اول ابتدایی شهر اردبیل است. برای بررسی این هدف فرضیه هایی به شرح زیر تدوین شد:

### فرضیه اصلی

آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اردبیل تاثیر دارد.

### فرضیات فرعی

فرضیه اول: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر کاهش اضطراب تاثیر دارد.

فرضیه دوم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مهارت های اجتماعی مناسب تاثیر دارد.

فرضیه سوم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر رفتارهای غیر اجتماعی تاثیر دارد.

فرضیه چهارم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر پر خاشگری و رفتارهای تکانشی تاثیر دارد.

فرضیه پنجم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن تاثیر دارد.

فرضیه ششم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر رابطه با همسالان تاثیر دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری در دانش آموزان دوره ابتدایی است. در این تحقیق از روش نیمه آزمایشی از نوع پس آزمون محض همراه با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانش آموزان پسر مشغول به تحصیل در دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ شهرستان اردبیل مشتمل بر ۱۲۲۱ دانش آموز بود. از آن جا که مداخله مورد نظر بایستی به صورت گروهی انجام می گرفت و از طرفی امکان انتخاب تصادفی تک تک افراد و قرار دادن آنها در گروه آزمایش و گواه به دلیل عدم امکان تغییر برنامه کلاسی دانش آموزان وجود نداشت، از بین دو مدرسه پسرانه که به روش خوشه ای تصادفی انتخاب شده بود، یک مدرسه که به میانگین ویژگی های اقتصادی و اجتماعی جامعه مورد نظر نزدیکتر بود، انتخاب شد. سپس با استفاده از جایگزینی تصادفی از ۵ کلاس موجود در این مدرسه، ۳۰ دانش آموز از یک کلاس به عنوان گروه آزمایش و ۳۰ دانش آموز از کلاس دیگر به عنوان گروه گواه انتخاب شد.

### ابزار پژوهش

1. برنامه آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه اسلام: در قرآن کریم شیوه آموزشی متن محور برای فهم شدن بستر تربیت مخاطبین نقاد با تفکری پویا و خلاق دیده می شود. یکی از ویژگی های کتاب مقدس قرآن بهره مندی از عنصر حذف و قرار دادن شنونده و خواننده در موقعیت ابهام است. اولین داستان مورد استفاده در این پژوهش داستان خلقت آدم با گفتگوی خدا و فرشتگان آغاز می شود. دوم داستان طالوت (ع)، سوم داستان هابیل و قابیل و داستان نهایی اصحاب کهف می باشد.

2. در پژوهش حاضر ابزار مورد مطالعه پرسشنامه ی مسئولیت اجتماعی جوانان ماتسون (۱۹۸۳) و پرسشنامه ی اضطراب لارنس گود (۲۰۱۵) استفاده می شود. روایی و پایایی پرسشنامه نیز در تحقیقات قبلی مورد تایید واقع شده است. در تحقیق حاضر پایایی پرسشنامه ها از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۴ بدست آمد.

3. روش اجرا: پس از انتساب تصادفی گروه ها به حالت آزمایشی و کنترل، ابتدا پرسش نامه اضطراب و مسئولیت اجتماعی اجرا شد؛ سپس برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از دیدگاه اسلام روی گروه آزمایش ۱،۵ ساعته اجرا شد؛ به این صورت که دانش آموزان گروه آزمایش به مدت ۱۴ جلسه طی ۴۲ روز آموزش دیدند. پس از انتخاب افراد و جایگزینی تصادفی گروه آزمایش و گواه و نیز تعیین زمان



انجام مداخله با هماهنگی مسئولین آموزشگاه، مداخله به روش اجتماع پژوهی شروع شد. در یک اجتماع پژوهی، مشارکت کنندگان رو در روی یکدیگر به نحوی می نشینند که بتوانند صدای یکدیگر را بسنوند و همدیگر را ببینند. معلم نیز برای داشتن تعامل کافی با همه دانش آموزان، مانند یکی از اعضای کلاس در درون حلقه قرار می یگرد. پیش از شروع مداخله، معلم قوانینی را جهت مدیریت بحث تدوین کرد. که این قوانین بدین شرح است: (۱) افراد برای شرکت در بحث باید اجازه بگیرند، (۲) نظرات باید با موضوع مورد بحث ارتباط داشته باشد (۳) هیچ کس نباید موقع صحبت کردن دیگری مزاحمت ایجاد کند. پس از انجام مداخله، هر دو گروه آزمایش و گواه به پرسشنامه های یاد شده جهت انجام پس آزمون پاسخ دادند.

#### یافته ها

در ابتدا قبل از بررسی فرضیه های تحقیق باید نرمال بودن متغیرهای تحقیق توسط آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه ای بررسی شود.

متغیر مورد بررسی توزیع نرمال دارد:  $H_0$ :

متغیر مورد بررسی توزیع نرمال ندارد:  $H_1$ :

جدول (۱). جدول آماره های توصیفی و آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش

گروه	متغیر	گروه آزمایش			گروه کنترل		
		میانگین	آماره k-s	سطح معناداری	میانگین	آماره k-s	سطح معناداری
قبل آموزش	اضطراب	۱۸/۴۸ ± ۰/۸۶۳	۱/۶۰۳	۰/۰۵۲	۱۸/۶۶ ± ۱/۸۲۵	۱/۰۷۸	۰/۰۶۱
	مهارت های اجتماعی مناسب	۳۸/۷۲ ± ۲/۰۴۱	۱/۱۳۴	۰/۱۵۳	۳۸/۸۲ ± ۲/۱۸۲	۱/۱۱۶	۰/۱۶۵
	رفتارهای غیراجتماعی	۲۹/۹۰ ± ۶/۶۶۵	۱/۰۸۹	۰/۱۸۶	۲۸/۸۸ ± ۶/۹۰۱	۱/۳۶۵	۰/۰۵۸
	پرخاشگری و رفتارهای تکانشی	۲۹/۷۶ ± ۳/۹۶۲	۱/۱۱۱	۰/۱۶۹	۲۹/۲۴ ± ۵/۰۶۹	۱/۱۲۸	۰/۱۵۷
	برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن	۱۴/۰۸ ± ۱/۴۴۱	۱/۱۴۲	۰/۱۴۷	۱۴/۱۲ ± ۱/۷۳۴	۱/۱۷۳	۰/۱۲۸
	رابطه با همسالان	۲۰/۵۲ ± ۲/۴۲۶	۱/۱۷۸	۰/۱۲۴	۲۰/۸۰ ± ۲/۴۸۳	۱/۰۷۶	۰/۱۹۷
	اضطراب	۱۶/۶۶ ± ۱/۸۴۷	۱/۲۷۰	۰/۰۸۰	۱۸/۳۲ ± ۳/۵۱۹	۱/۳۰۷	۰/۰۶۴
بعد آموزش	مهارت های اجتماعی مناسب	۴۳/۸۶ ± ۵/۱۵۵	۱/۳۳۸	۰/۰۵۶	۳۷/۱۴ ± ۳/۴۴۱	۱/۶۲۵	۰/۰۶۰
	رفتارهای غیراجتماعی	۲۳/۲۴ ± ۴/۱۷۷	۰/۸۶۹	۰/۴۳۷	۲۷/۷۶ ± ۴/۲۸۸	۰/۶۳۴	۰/۸۱۶
	پرخاشگری و رفتارهای تکانشی	۲۵/۵۶ ± ۲/۲۳۳	۱/۴۲۱	۰/۰۵۵	۳۰/۵۰ ± ۶/۶۸۶	۱/۳۳۵	۰/۰۵۷
	برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن	۱۶/۸۶ ± ۳/۰۹۷	۰/۸۳۵	۰/۴۸۹	۱۴/۲۴ ± ۳/۵۱۴	۱/۰۹۹	۰/۰۷۳
	رابطه با همسالان	۲۲/۶۲ ± ۲/۹۵۵	۰/۸۵۰	۰/۴۶۵	۲۰/۶۰ ± ۳/۷۵۸	۱/۴۲۸	۰/۰۵۴



همانطور که از داده‌های جدول ۱ مشخص است، میانگین امتیازات متغیرها قبل از آموزش در دو گروه کنترل و آزمون تقریباً با هم یکسان و برابر می‌باشد. اما در بعد از آموزش نمرات دو گروه اختلاف قابل ملاحظه‌ای دارند. و این در حالی است که نمرات در متغیرهای اضطراب، رفتارهای غیر اخلاقی و پرخاشگری و رفتارهای تکانشی در گروه آزمون کاهش چشمگیری داشته است و متغیرهای مهارت‌های اجتماعی مناسب، برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن و رابطه با همسالان در گروه آزمایش افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. همچنین سطح معناداری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای تمامی متغیرهای در دو گروه کنترل و آزمون بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ است که نشان دهنده نرمال بودن توزیع متغیرها است.

### فرضیه‌های پژوهش

در این بخش به بیان و بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته خواهد شد.

### فرضیه اول: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر کاهش اضطراب تاثیر دارد.

در جدول ۲ آماره‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار) نمرات اضطراب دانش آموزان قبل و بعد از آموزش به تفکیک دو گروه کنترل و آزمایش آورده شده است.

جدول ۲. مقایسه نمرات شاخص پیشرفت تحصیلی دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون

شاخص	گروه‌ها	تعداد	میانگین پیش آزمون	انحراف معیار پیش آزمون	میانگین پس آزمون	انحراف معیار پس آزمون
اضطراب	آزمایش	۵۰	۱۷/۴۸	۰/۸۶۳	۱۶/۶۶	۱/۸۴۷
	کنترل	۵۰	۱۸/۶۶	۱/۸۲۵	۱۸/۳۲	۳/۵۱۹

همانگونه که از جدول ۲ مشخص است، میانگین امتیازات اضطراب در هر دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون کاهش داشته است. اما به نظر می‌رسد که میزان این کاهش در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل باشد.

پیش فرض استفاده از تحلیل کوواریانس تک متغیری فرض همگن بودن واریانس متغیر وابسته در گروه‌ها است. برای بررسی این فرضیه از آزمون لون استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون لون در جدول زیر داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون لون برای بررسی فرض همگنی واریانس‌ها

شاخص	مقدار آماره F	df1	df2	سطح معناداری
کاهش اضطراب	۴/۴۳۹	۱	۹۸	۰/۱۵۸

با توجه به داده‌های جدول ۳، سطح معناداری آزمون لون برابر با ۰/۱۵۸ و بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض همگنی واریانس در دو گروه آزمایش و کنترل پذیرفته می‌شود.

در ادامه به بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر کاهش میزان اضطراب دانش آموزان با استفاده از تحلیل کوواریانس تک متغیره پرداخته شده است. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره در جدول ۴ داده شده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از اجرای تحلیل کوواریانس اثرات بین گروهی آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
مقدار ثابت	۲۰۰/۱۱۶	۱	۲۰۰/۱۱۶	۲۵/۱۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۰۶
پیش آزمون	۰/۷۷۰	۱	۰/۷۷۰	۰/۰۹۷	۰/۷۵۷	۰/۰۰۱



۰/۰۸۳	۰/۰۰۴	۸/۷۲۲	۶۹/۵۳۹	۱	۶۹/۵۳۹	گروه (اضطراب)
			۷/۹۷۲	۹۷	۷۷۳/۳۳	خطا
				۱۰۰	۳۱۴۳۳	کل

با توجه به مقادیر جدول ۴ مشخص است که، سطح معناداری برای متغیر گروه، کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض برابری نمرات پس آزمون اضطراب، بین دو گروه آموزش و کنترل تایید نمی‌شود. با توجه به میانگین نمرات پس آزمون در جدول ۴ به وضوح مشخص است که، آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر کاهش میزان اضطراب دانش آموزان پسر تاثیر داشته و باعث کاهش و بهبود اضطراب آنان شده است. بنابراین فرضیه فرعی اول پژوهش تایید می‌شود. همچنین با توجه به مقدار اندازه اثر (۰/۰۸۳) نتیجه می‌شود که ۸/۳٪ از تفاوت در نمرات پس آزمون اضطراب مربوط به آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بوده است.

در ادامه برای بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت اجتماعی و مولفه‌های آن از تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده شده است.

در این قسمت همبستگی بین متغیرها برای بررسی وجود هم خطی چندگانه آورده شده است.

#### جدول ۵. جدول همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

ردیف	شاخص‌ها	۲	۳	۴	۵
۱	مهارت‌های اجتماعی مناسب	۰/۱۵۸*	۰/۱۹۴*	۰/۲۷۶**	۰/۲۰۹**
۲	رفتارهای غیر اجتماعی	۱	۰/۴۲۳**	۰/۲۷۷**	-۰/۱۴۴*
۳	پرخاشگری و رفتارهای تکانشی			۰/۳۲۲**	-۰/۲۱۲**
۴	برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن				۰/۰۱۰ <sup>NS</sup>
۵	رابطه با همسالان				۱

\* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است. \*\* همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. <sup>NS</sup> رابطه معنادار نیست.

همانطور که از ضرایب همبستگی داده‌های جدول ۵ مشخص است، هیچ یک از زوج همبستگی بین متغیرهای وابسته بزرگتر از ۰/۸ نیست. بنابراین فرض عدم وجود هم خطی چندگانه رعایت شده است.

در این قسمت برای بررسی معناداری میزان تغییرات بدست آمده و تعیین اندازه اثرات آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت اجتماعی دانش آموزان، از طریق آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره، میانگین‌های پس آزمون (بعد از آموزش) بعد از تعدیل نمودن نمرات پیش آزمون، مورد مقایسه قرار می‌گیرند تا اندازه تاثیر کل اصلاح شده گزارش شود.

پیش فرض همگنی ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته در گروه‌ها توسط آزمون باکس مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج مربوط به این آزمون در جدول زیر داده شده است.

#### جدول ۶. نتایج آزمون باکس برای بررسی فرض همگنی ماتریس کوواریانس

مقدار باکس	مقدار آماره F	df1	df2	سطح معناداری
۸/۳۶۴	۵/۱۹۰	۱۵	۳۷۶۶۸/۷۳۷	۰/۲۵۳

با توجه به داده‌های جدول ۶ سطح معناداری آزمون باکس برابر با ۰/۲۵۳ و بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض تجانس ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته در گروه‌های مختلف پذیرفته می‌شود.





خروجی نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره در جدول زیر داده شده است.

جدول ۷. تحلیل کوواریانس چند متغیری برای بررسی اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت اجتماعی

متغیر	نام آزمون	مقدار	مقدار آماره F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری
مهارت زندگی	آزمون اثر پیلایی	۰/۶۱۷	۲۸/۶۱۸	۵	۸۹	۰/۰۰۱
	آزمون لامبدای ویلکز	۰/۳۸۳	۲۸/۶۱۸	۵	۸۹	۰/۰۰۱
	آزمون اثر هتلینگ	۱/۶۰۸	۲۸/۶۱۸	۵	۸۹	۰/۰۰۱
	بزرگترین ریشه روی	۱/۶۰۸	۲۸/۶۱۸	۵	۸۹	۰/۰۰۱

همانطور که از جدول ۷ مشخص است، یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس چند متغیری حاکی از این است که مقدار F چند متغیری برای آموزش مهارت‌های اجتماعی در تمامی آزمون‌ها در سطح  $P < 0.05$  از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. لذا می‌توان گفت که بین دانش آموزان گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از شاخص‌های مسئولیت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت در ادامه از آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیری استفاده گردیده است.

پیش فرض استفاده از تحلیل کوواریانس تک متغیری فرض همگن بودن واریانس متغیرهای وابسته در گروه‌ها است. برای بررسی این فرضیه از آزمون لون استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون لون در جدول زیر داده شده است.

جدول ۸ نتایج آزمون لون برای بررسی فرض همگنی واریانس‌ها

متغیر	مقدار آماره F	df1	df2	سطح معناداری
مهارت های اجتماعی مناسب	۰/۶۳۷	۱	۹۸	۰/۴۲۷
رفتارهای غیر اجتماعی	۱/۲۸۶	۱	۹۸	۰/۲۶۰
پرخاشگری و رفتارهای تکانشی	۱/۳۶۴	۱	۹۸	۰/۲۵۷
برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن	۰/۲۰۱	۱	۹۸	۰/۶۵۵
رابطه با همسالان	۱/۳۶۷	۱	۹۸	۰/۲۴۵

با توجه به داده های جدول ۸ فرض همگنی واریانس‌ها در گروه‌ها پذیرفته می‌شود.

در ادامه به بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر هر یک از مولفه‌های مسئولیت اجتماعی با استفاده از تحلیل کوواریانس تک متغیره پرداخته خواهد شد. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره در جدول ۹ داده شده است.

جدول ۹. نتایج حاصل از اجرای تحلیل کوواریانس اثرات بین گروهی

شاخص	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
مهارت های اجتماعی مناسب	۱۱۰۰/۵۵۸	۱	۱۱۰۰/۵۵۸	۵۶/۵۶۶	۰/۰۰۱	۰/۳۷۸
رفتارهای غیر اجتماعی	۴۹۲/۹۲۶	۱	۴۹۲/۹۲۶	۲۷/۷۲۵	۰/۰۰۱	۰/۲۳۰



۰/۲۶۰	۰/۰۰۱	۳۲/۵۹۳	۶۷۲/۴۳۵	۱	۶۷۲/۴۳۵	پرخاشگری و رفتارهای تکانشی
۰/۱۴۳	۰/۰۰۱	۱۵/۴۹۱	۱۵۳/۰۲۵	۱	۱۵۳/۰۲۵	برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن
۰/۰۹۶	۰/۰۰۲	۹/۸۳۰	۱۰۶/۸۱۴	۱	۱۰۶/۸۱۴	رابطه با همسالان

با توجه به مقادیر جدول ۹ مشخص است که، سطح معناداری برای هر ۵ مولفه مسئولیت اجتماعی کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض برابری نمرات پس آزمون در این ۵ مولفه، بین دو گروه آموزش و کنترل تایید نمی‌شود. در ادامه با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل کوواریانس چند متغیره در بالا به بیان و بررسی فرضیه های ۲ تا ۶ پژوهش پرداخته خواهد شد.

#### فرضیه دوم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مهارت‌های اجتماعی مناسب تاثیر دارد.

با توجه به نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۹، سطح معناداری آزمون کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ شده است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض برابری نمرات پس آزمون مهارت‌های اجتماعی مناسب، بین دو گروه آموزش و کنترل تایید نمی‌شود ( $F = ۵۶/۵۶۶, p < ۰/۰۵$ ). با توجه به میانگین نمرات پس آزمون در جدول ۱ به وضوح مشخص است که، آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر افزایش مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش آموزان پسر تاثیر داشته و باعث بهبود مهارت‌های اجتماعی مناسب آنان شده است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تایید می‌شود. همچنین با توجه به مقدار اندازه اثر ( $\eta^2 = ۰/۳۷۸$ ) نتیجه می‌شود که ۳۷/۸٪ از تفاوت در نمرات پس آزمون مهارت‌های اجتماعی مناسب مربوط به آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بوده است.

#### فرضیه سوم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر رفتارهای غیراجتماعی تاثیر دارد.

با توجه به نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۹، سطح معناداری آزمون کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ شده است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض برابری نمرات پس آزمون رفتارهای غیراجتماعی، بین دو گروه آموزش و کنترل تایید نمی‌شود ( $F = ۲۷/۷۲۵, p < ۰/۰۵$ ). با توجه به میانگین نمرات پس آزمون در جدول ۱ به وضوح مشخص است که، آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر کاهش رفتارهای غیراجتماعی دانش آموزان پسر تاثیر داشته و باعث بهبود رفتارهای غیراجتماعی آنان شده است. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تایید می‌شود. همچنین با توجه به مقدار اندازه اثر ( $\eta^2 = ۰/۲۳۰$ ) نتیجه می‌شود که ۲۳٪ از تفاوت در نمرات پس آزمون رفتارهای غیراجتماعی مربوط به آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بوده است.

#### فرضیه چهارم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر پرخاشگری و رفتارهای تکانشی تاثیر دارد.

با توجه به نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۹، سطح معناداری آزمون کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ شده است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض برابری نمرات پس آزمون پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، بین دو گروه آموزش و کنترل تایید نمی‌شود ( $F = ۳۲/۵۹۳, p < ۰/۰۵$ ). با توجه به میانگین نمرات پس آزمون در جدول ۱-۴ به وضوح مشخص است که، آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر کاهش پرخاشگری و رفتارهای تکانشی دانش آموزان پسر تاثیر داشته و باعث بهبود پرخاشگری و رفتارهای تکانشی آنان شده است. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تایید می‌شود. همچنین با توجه به مقدار اندازه اثر ( $\eta^2 = ۰/۲۶۰$ ) نتیجه می‌شود که ۲۶٪ از تفاوت در نمرات پس آزمون پرخاشگری و رفتارهای تکانشی مربوط به آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بوده است.

#### فرضیه پنجم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن تاثیر دارد.

با توجه به نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۹، سطح معناداری آزمون کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ شده است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض برابری نمرات پس آزمون برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن، بین دو گروه آموزش و کنترل تایید نمی‌شود.



شود ( $F = 15,491, p < 0,05$ ). با توجه به میانگین نمرات پس آزمون در جدول ۴-۱ به وضوح مشخص است که، آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر افزایش برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن دانش آموزان پسر تاثیر داشته و باعث افزایش برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن آنان شده است. بنابراین فرضیه پنجم پژوهش تایید می‌شود. همچنین با توجه به مقدار اندازه اثر ( $\eta^2 = 0,193$ ) نتیجه می‌شود که ۱۹/۳٪ از تفاوت در نمرات پس آزمون برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن مربوط به آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بوده است.

#### فرضیه ششم: آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر رابطه با همسالان تاثیر دارد.

با توجه به نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۹، سطح معناداری آزمون کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ شده است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض برابری نمرات پس آزمون رابطه با همسالان، بین دو گروه آموزش و کنترل تایید نمی‌شود ( $F = 9,830, p < 0,05$ ). با توجه به میانگین نمرات پس آزمون در جدول ۴-۱ به وضوح مشخص است که، آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر افزایش رابطه با همسالان دانش آموزان پسر تاثیر داشته و باعث بهبود رابطه با همسالان آنان شده است. بنابراین فرضیه ششم پژوهش تایید می‌شود. همچنین با توجه به مقدار اندازه اثر ( $\eta^2 = 0,096$ ) نتیجه می‌شود که ۹/۶٪ از تفاوت در نمرات پس آزمون رابطه با همسالان مربوط به آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بوده است.

#### بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این مطالعه بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان از منظر اسلام بر مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اردبیل می باشد. یافته های پژوهش حاضر نشاد داد میانگین امتیازات متغیرها قبل از آموزش در دو گروه کنترل و آزمون تقریباً با هم یکسان و برابر می باشد. اما در بعد از آموزش نمرات دو گروه اختلاف قابل ملاحظه ای دارند. و این در حالی است که نمرات در متغیرهای اضطراب، رفتارهای غیر اخلاقی و پرخاشگری و رفتارهای تکانشی در گروه آزمایش کاهش چشمگیری داشته است و متغیرهای مهارت های اجتماعی مناسب، برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن و رابطه با همسالان در گروه آزمایش افزایش قابل ملاحظه ای داشته است. بنابراین می توان گفت که برنامه آموزش فلسفه از منظر اسلام باعث افزایش مسئولیت پذیری و کاهش اضطراب در دانش آموزان پسر این پژوهش شده است. یافته های این پژوهش نتایج پژوهش های جعفری و همکاران (۱۳۹۴)، سیفی گندمانی و همکاران (۱۳۹۰)، مرعشی و همکاران (۱۳۸۹)، فرمهبینی فراهانی (۲۰۱۴) رو تایید می کند. طبق این نتایج می توان گفت که در قران کریم ایجاد سوال، وسیله ای موثر در فرایند کشف و ابداع پدیده ها و قوانین هستی و آفرینش و قواعد زندگی قرار می گیرد. از نگاه قرآنی اولاً عقل جزء بر بستر علم نمی روید (و ما یعقلها الا العالمون، عنکبوت آیه ۴۳) ثانیاً راه علم با تبیین هموار می شود (کذلک یبیین الله آیاته لعلکم تعقلون، بقره آیه ۲۴۱). بر این اساس به سهولت می توان ادعا نمود که از منظر قرآن، تفکر و تعقل با تبیین اطلاعات صورت می گیرد. از دید قرآن، آدمیان همگی توان اندیشه ورزی دارند و اگر مذمتی در مورد بی خردی عده ای در قرآن دیده می شود (اولم یتفکروا فی انفسهم) (سوره روم آیه ۸) به دلیل عدم تفکرشان نیست بلکه به دلیل نداشتن جهتی معین در تفکر است. اگر شاهباز اندیشه آزاد باشد که در هر عرصه ای به پرواز درآید و بر فراز قله اطلاعات محض فرود آید از دید کتاب آسمانی نه تنها هنری به حساب نمی آید که در خور ستایش باشد ای بسا که در خور نکوهش قرار گیرد (انه فکر و قدر فقتل کیف قدر) (سوره مدثر آیه ۱۸) این خود بیانگر این حقیقت است که تفکر محض مطلوبیت ذاتی ندارد و بلکه آنچه مطلوب است تفکر هدایت شده است و این معنا (تفکر هدایت شده) مترادف و همسنگ تعقل در قرآن است و ویژگی این هدایت، از معنای عقل در قرآن قابل استنباط است چراکه عقل در قرآن با مفهوم بازندگی و کنترل مفید همراه است همان گونه که واژه متضاد آن یعنی جهل، حاکی از عمل ناسنجیده است و بی گذار به آب زدن. نکته دیگر اینکه تبیین اطلاعات همان تأمل در



اطلاعات به دست آمده و ایجاد سوال در برابر آموخته های دیروز و امروز است لذا نظام تربیتی مبتنی بر تبیین و تحلیل اطلاعات همان اکتشافی کردن تربیت است. تربیت و تعلیم اکتشافی، فهمیدن را به جای فهماندن مبنا قرار می دهد و در این نوع از نظام تربیتی است که آموزش شکل فعال و خلاق به خود می گیرد و هنر معلم در آن طرح سوال های خوب و نیز ایجاد بستر برای فعال کردن ذهن مخاطب و قراردادن متربی در فضای «ابهام» و «حیرت» است نه پاسخ دادن به همه سوال ها و مسئله ها. طبق این نتایج می توان اشاره نمود که پرورش دانش آموزان کوشا و مسئولیت پذیر آرمان همه نظام های آموزشی دنیاست. در کشور ما نیز ایجاد تحول و جنبش در این زمینه یک ضرورت و عزم ملی تلقی شده است. همچنین در آموزه های جدید تربیتی، بر آموزش و پرورش مبتنی بر پژوهش تاکید می شود و به جای ارائه دانش و مهارت ها به شکل از پیش تعیین شده به دانش آموزان، معلمان باید تلاش کنند تا فرایند یاددهی - یادگیری را به شکلی طراحی و پیش ببرند که دانش آموزان خود به تولید دانش دست بزنند. فلسفه برای کودکان از منظر اسلام، شاید تازه ترین و بزرگترین گامی است که در راستای تلاش برای کاربردی کردن فلسفه و آموزش عملی تفکر انتقادی و با هدف تقویت و بالا بردن مهارت های استدلال، داوری و قدرت تمیز برداشته شده است. به اعتقاد فیشر (۱۳۸۵)، آموزش فلسفه به کودکان و نوجوان باعث پرورش پندارهای مثبت از قبیل عزت نفس، اندیشناک بودن نسبت به دیگران در آنها می شود. برنامه آموزش فلسفه به روش جامعه کاوشگر عزت نفس و خودباوری عقلانی را بالا می برد. چرا که در آن کودکان توانمندی های زیر را می آموزند: (۱) کندوکاو در موضوع های شخصی مثل عشق، دوستی، مرگ، زورگویی، انصاف و موضوع های فلسفی کلی تری مثل هویت شخصی، تغییر و حقیقت (۲) شفافیت در تفکر، گرفتن تصمیم های اندیشمندانه با تکیه بر دلیل و برهان (۴) گوش دادن به یکدیگر و احترا متقابل و (۵) تجربه لحظه های آرام تفکر و تأمل. جعفری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی به این نتیجه دست یافتند که آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد شناختی (کنجکاوی، پرسشگری، استدلال کردن، تفکر انتقادی، خلاقیت، علاقه به آزمایش و تجربه) و بعد عاطفی (علاقه به نظم و ترتیب، اشتیاق، مشارکت جویی، استقلال رای، اعتماد به نفس، ابراز وجود) روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر دارد و به طور کلی اجرای این برنامه بر پرورش روحیه پژوهشگری این کودکان تأثیر گذار بوده است. در پایان، با عنایت به یافته های حاصل از این پژوهش و پژوهش های همسو، می توان از این برنامه به عنوان یک برنامه جدید در جهت دستیابی به آموزش پژوهش محور و پرورش روحیه پژوهشگری در مقطع پایین تحصیلی در آموزش های رسمی و غیر رسمی کشور استفاده نمود و پیشنهاد می گردد که با توجه به نتایج و دست آوردهای مفید این برنامه، اصلاحاتی در ساختار و برنامه های آموزشی و پرورشی کشور صورت گیرد.

انجام این پژوهش با محدودیت های زیادی همراه بوده است که مهمترین آن ها عدم امکان مداخله در برنامه آموزشی مدرسه و زمان بندی اجرای برنامه به روشی منظم تر بود. افزون بر این امکان کنترل ارتباط گروه های آزمایش و گواه در خارج از کلاس درس وجود نداشت. پیشنهاد می شود این برنامه در فضایی با قابلیت کنترل بیشتر بر متغیرها انجام شود. پیشنهاد می شود اثربخشی برنامه بر روی دانش آموزان پسر نیز مورد بررسی قرار گیرد و اثربخشی برنامه فلسفه برای کودکان از منظر اسلام در گروه های سنی مختلف و دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی مورد مطالعه قرار گیرد.



## منابع

- [1] سجادیه، نرگس؛ باقری، خسرو؛ مدنی فر، محمدرضا (۱۳۹۴)، اهداف واسطی «تربیت» در دوران کودکی بر اساس رویکرد اسلامی عمل، فصلنامه تربیت اسلامی، سال دهم، شماره ۲۱، صص ۵۵-۲۹.
- [2] کیان، مریم (۱۳۹۴)، تبیین ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه اسلام، فصلنامه اخلاق، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۳۵-۹.
- [3] Vesamavibool, S., Urwongse, S., Hanpanich, B., Thongnour, D., & Watcharin, K. (2015). The Comparative Study of Professional Standards for Thai Teachers and for Asean Teachers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 2280-2284.
- [4] Gruioniu, O. (2013). The philosophy for children, an ideal tool to stimulate the thinking skills. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 76, 378-382.
- [5] صابری نجف آبادی، ملیحه (۱۳۹۰)، آموزش فلسفه به کودکان در موزه های تعاملی علم، فصلنامه تفکر و کودک، سال دوم، شماره اول، صص ۷۲-۵۱.
- [6] نوری، ربابه (۱۳۹۴)، ارزیابی طرح آموزش مهارت های زندگی مقطع راهنمایی، مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دوره ۷ (۲)، صص ۴۴۴-۴۵۲.
- [7] خدیوی، اسدالله؛ الهی، ایران. (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع اول متوسطه (پایه هفتم) شهرستان مهاباد، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، سال ششم، شماره بیست و دوم، صص ۵۹-۳۷.
- [8] مرعشی، سید منصور؛ صفایی مقدم، مسعود؛ خزایی، پروین (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز، فصلنامه تفکر و کودک، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۲-۸۳.
- [9] اکبری، احمد؛ جهانگیر، مسعود (۱۳۹۳)، فلسفه برای کودکان: رویکردهای تربیت دینی به آموزش تفکر، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴(۲)، ۱۱۷-۱۳۶.
- [10] عطاری، بهناز؛ عبدالله، شفیع آبادی؛ سلیمی، حسین (۱۳۹۰)، اثربخشی آموزش هنر نقاشی بر کاهش میزان اضطراب دانش آموزان پسر ابتدایی، فرهنگ مشاوره، دوره ۲، شماره ۸، صص ۶۴-۴۷.
- [11] جعفری، زهره؛ صمدی، پروین؛ قائدی، یحیی (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال دوازدهم، دوره دوم، شماره ۱۷، صص ۴۹-۴۱.
- [12] سیفی گندمانی، محمدیاسین؛ شقاقی، فرهاد؛ کلانتری میبیدی، سارا (۱۳۹۰)، اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به دانش آموزان پسر بر عزت نفس و توانایی حل مسئله آنها، فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال پنجم، شماره ۲(۱۸)، صص ۸۳-۶۶.



## Investigating the effect of teaching philosophy to children from the perspective of Islam on responsibility and reducing students' anxiety

### Abstract

The aim of this study was to determine the effect of teaching philosophy to children from the perspective of Islam on responsibility and reducing anxiety in primary school students in Ardabil. The research method is quasi-experimental with pre-test-post-test with a control group. Elementary school male students, two classes were randomly selected by cluster sampling method and subjects were randomly assigned to experimental and control groups. Then the philosophy program was taught to children from the Islamic perspective of the experimental group for 14 sessions over 6 weeks. This program was not provided to the educational control group. At the end of the course, both groups completed the questionnaire again. The results were analyzed by analysis of covariance. Be.

**Keywords:** teaching philosophy from the perspective of Islam, responsibility, anxiety, students